

بهاء‌الدین خرمشاهی

دربارهٔ طبیبانه‌های حافظ

طبیبانه‌های حافظ

نویسنده: دکتر احمد مدنی

ناشر: دانشگاه علوم پزشکی شیراز

سال انتشار: ۱۳۷۹

حافظ پژوهی، به ویژه در ۳۰ - ۴۰ سال اخیر، به پربارترین شاخه ادب پژوهی و تحقیق فرهنگی در کشور ما تبدیل شده است و از آنجا که حافظ حافظهٔ ما و سخنگوی ناخودآگاه جمعی ماست، این رویکردها، و حتی هجوم بردن به شرح و بسط و تحلیل و تجلیل اندیشهٔ حافظ جای خود دارد و رویداد فرهنگی - علمی فرخنده‌ای است. حرفی را که بنده هم اکنون زدم سالها، شاید ۱۵ - ۱۶ سال پیش استادانم ابوالحسن نجفی و علی محمد حق‌شناس هم از راه لطف دربارهٔ کتابک ناچیز ذهن و زبان حافظ به قلم بنده زده بودند. سرآغاز جدی و نقطهٔ عطف نگاه به اندیشه و نه تصحیح دیوان و فرهنگ الفاظ و لغت - معنی حافظ یکی کتاب حافظ‌شناسی یا الهامات خواجه (چاپ اول ۱۳۳۰ ش) نوشتهٔ شادروان محمدعلی بامداد است. اهمیت این کتاب در اهمیت کلیدی قائل شدن برای اندیشه‌های ملامتی حافظ - یعنی اساس رندی، و از آنجا اساس جهان بینی اوست - سپس کتاب مهمی به نام (راهی به) مکتب حافظ اثر مورخ، شاهنامه‌شناس، مولوی شناس و حافظ شناس بزرگ معاصر (طال بقاءه) حضرت استاد دکتر منوچهر مرتضوی بود که در حدود سالهای ۴۳ - ۴۴ منتشر شد و همان اندیشهٔ ملامتی و رندی و شیخ صنعان گرایی حافظ را همراه با بحث در اسطوره‌شناسی و اسطوره شدگی، جام جم، مشروحاً با قلمی شیرین و شیوا شرح داد، و حافظ‌شناسی به راه درست و درست به راه افتاد. سپس در دو سه دههٔ اخیر تصحیح دیوان حافظ پس از پنجاه سالی که از تصحیح علمی یگانهٔ قزوینی - غنی

می‌گذشت به اوجهای غیرقابل تصویری به همت بزرگمردانی چون: شادروان استاد پرویز ناتل خانلری، استاد رشیدی عیوضی، استاد سایه (هوشنگ ابتهاج) و استاد سلیم نیساری (سومین چاپ بر مبنای ۴۸ نسخه قرن نهمی)، و استاد سیدمحمدرضا جلالی نایینی (با سه تصحیح از دیوان حافظ).

حال از تصحیح مستقل خود بر مبنای نسخه خلخال و با دلایان و پنجاب که چاپ سوم آن با احتوا بر پانصد - ششصد یادداشت نسخه‌شناختی در پای صفحه، اخیراً منتشر شده است و تصحیح مشترک با همکاری استاد و ادیب بزرگ معاصر جناب هاشم جاوید (فرزان، ۱۳۷۸)، یادی جز همین اندازه نمی‌کنم.

شاید مهمتر از آن یا به همان اندازه از اهمیت تخصصی و شعبه شعبه شدن حافظ پژوهی است که فی‌المثل عده‌ای (جناب دکتر مهرداد نیکنام و دکتر ابوالقاسم رادفر) «کتابنامه حافظ» را منتشر کردند. گروهی شرح‌های امروزه پسند. گروهی واژه‌نامه‌های تخصصی و از همه مهمتر عده‌ای به شرح مشکلات شرح حافظ پرداختند که سه اثر از برجسته‌ترین آنها پیر ماگفت مجموعه مقالات در شرح بیست دشوار «پیر ماگفت خطا بر قلم صنع نرفت» به کوشش جناب نیاز کرمانی، عده‌ای به تحقیق در موسیقی، یا فال، یا هیأت (علم نجوم) و نظایر آن در شعر حافظ پرداختند. و طبعاً عده‌ای هم به تاریخ عصر حافظ و زندگی‌نامه حافظ. و عده‌ای هم به عرفان در شعر حافظ (که مهمترین آن‌ها با دو نام عرفان حافظ و تماشاگه راز که یک کتاب است، اثر شادروان آیت‌الله مطهری است.

کتاب ارزشمند طبیبانه‌های حافظ هم از زمره آثار برجسته تخصصی حافظ‌شناسی به شمار می‌آید. نویسنده این کتاب جناب استاد دکتر احمد مدنی پزشک عالیقدر شیرازی است، که پس از انتشار این کتاب، (از سوی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ۱۳۷۹) به سراغ کتاب و رساله تازه‌ای نخست عنوان یا موضوع «بررسی اوزان و مقادیر در شعر حافظ» رفته است، و ذهن و زبانی وقاد و نقاد دارد و بهره هوشی اش، بیش از این حرفها بالاست. از ترس شیطنت قلمی که مبادا به سراغ شعر و شوخی و شطاحی و طنز و طیبیت بروم، سرم را پایین انداخته، این کتاب بی‌ادعا و بس پرفایده را معرفی می‌کنم:

کتاب طبیبانه‌های حافظ شامل این مطالب و بخش‌هاست: پیشگفتار؛ هشت بخش، شامل چهل مقاله مستقل؛ فهرست اعلام، و در پایان: فهرست مصاریع نخست ابیاتی از حافظ که در کتاب به آنها اشاره شده است.

بخش یکم، حافظ و سلوک طبیبان

در این بخش به تبیین رفتار و منش طبیبان و سلوک آنان با بیمار از دیدگاه حافظ پرداخته شده و سابقه این امر از ابتدا تا قرن هشتم هجری بررسی شده است. در این بخش، طبیبانه‌ترین غزل حافظ با مطلع: فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان...، از دریچه چشم یک پزشک و با توجه به طب سینایی و سایر منابع پزشکی آن زمان، بررسی شده و همچنین در مقالات دیگر به مباحثی مانند ناز طبیبان و طبیب راه نشین پرداخته شده است.

بخش دوم، چشم از دیده حافظ

در این بخش سابقه اصطلاح و مضمون «چشم بیمار» به تفصیل مورد پی‌جویی قرار گرفته، و مضامین دیگر مانند نور چشم، خیال در چشم و روشنائی دیده که در ابیات حافظ به کرات از آنها یاد شده، مورد بررسی طبیبانه واقع شده است. در این بخش همچنین کلمه «داه دنف» در یک بیت حافظ مورد مذاقه قرار گرفته و اشاراتی نیز به اصطلاح «پرده گلریز» و بیت مشهور و بحث‌انگیز «ماجرای کم کن و باز آ...» شده است.

بخش سوم، حافظ ماه زده

در این بخش به طور اعم به تشریح دیدگاه حافظ و مردم زمانه او در مورد ماه و تأثیر اهله آن بر بیماریهای جسمی و روحی پرداخته شده و نظرات حافظ و باورهای مردمان قرن هشتم هجری درباره اثر ماه و ماهتاب در بیماریها بیان شده است.

بخش چهارم، حافظ و بیماریها

یکی از مقالات این بخش به تبیین حقانیت جایگاه کلمه بلا، به جای وبا در یک بیت حافظ پرداخته و در مقاله دیگر در مورد اصطلاح سوز جگر در ابیات حافظ، به سرانجام وخیم بیماریهای کبدی از قول بزرگان طب روزگاران گذشته سخن به میان آمده است.

بخش پنجم، شفاخانه حافظ

در این بخش ویژگیهای دارویی و خواص درمانی داروهایی که حافظ در غزلیات خود از آنها نام برده است، مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و به کلیات مقوله دارو و درمان در قرن هشتم هجری پرداخته شده است. داروها یا مواد با خواص دارویی که در این بخش به آنها اشاره شده عبارتند از: ابریشم، افیون، حبه خضراء، سپند، صبر، قند و شکر، گل پارسی، موم، مومیایی، مهرگیاه و می ریحانی

بخش ششم، حافظ و آرایه‌های دارویی

در این بخش به تشریح خصوصیات سه ماده دارویی که در زمانه حافظ به عنوان دارو، کاربرد وسیع طبی داشته و کم و بیش به عنوان آرایه‌های چشم و ابرو شناخته می‌شوند پرداخته شده است. این سه ماده عبارتند از: توتیا، سرمه و وسمه

بخش هفتم، حافظ و عطریات دارویی

در این بخش مواد معطره و عطریاتی که در زمانه حافظ از محبوب‌ترین و مقبول‌ترین مواد خوشبوکننده شناخته می‌شده مورد بررسی، و خواص دارویی آنها مورد موشکافی قرار گرفته، و مشخصات عمومی و خصوصیات دارویی آنها بیان شده است. این مواد عبارتند از: عود، عنبر، مشک، غالیه، لخلخه،

بخش هشتم، حافظ و شیوه‌های درمانی

در این بخش با اشاره به مفهوم و مضمون پاره‌ای از ابیات حافظ، و استناد به کتب طبی زمان او، به بیان روشهای مقابله با خطرات و بیماریهای ناشی از سفر پرداخته شده و همچنین درباره خصوصیات پادزهرهای مورد استفاده در قرن هشتم، و روشهای درمانی دیگر مانند رسم کمان بر سر بیمار آوردن، سوزاندن جگر و داغگذاری اعضای بدن بحث شده است.

۳۶.

درباره مزایای این کتاب می‌توان چنین گفت:

۱. احتمالاً نخستین کتابی است که به طور مستقل و مشروح درباره حافظ و طب زمان او نوشته شده و به بررسی و ریشه‌یابی کلمات، اصطلاحات، مضامین و باورهای طبی در اشعار او پرداخته است.

۱. احتمالاً نخستین کتابی است که به یک بررسی طبییانه در مورد مضامین اشعار یک شاعر یا نویسنده و متفکر دست یازیده است.

□

تازه‌های احتمالی مطالب کتاب با توجه به مضامین و اصطلاحات و باورهای پزشکی در دیوان حافظ، تفسیر و تعبیر آنها براساس تطبیق و انطباق با مقولات و مشهودات پزشکی، بر مبنای یافته‌های طبی در مستندات و کتب طبی قرون اولیه تا سده هشتم هجری قمری در ایران و فارس، از این قرار است:

۱. پیشنهادی تازه برای تطبیق «تب اندوهی» ناشی از عشق، که در طبقه‌بندی تبها و علل آن در قانون ابن سینا به آن اشاره شده است، با مضمون و مفهوم تب در این بیت از حافظ:

گرچه تب استخوان من کرد ز مهر گرم و رفت
همچو تبم نمی‌رود آتش مهر از استخوان

۲. پیشنهادی تازه برای تطبیق اصطلاح طبی «پاشویه» ذکر شده در طب قدیم و اثر آن در تعداد نبض، با مضمون این بیت از حافظ:

باز نشان حرارتم ز آب دو دیده و ببین
نبض مرا که می‌دهد هیچ ز زندگی نشان

۳. تبیین و تطبیق اصطلاح «طیب راه نشین» از نظر طبی و با بررسی سابقه پزشکی آن، با مضمون این بیت از حافظ:

طیب راه‌نشین درد عشق نشناسد
برو به دست کن ای مرده دل مسیح دمی

۴. پیشنهادی تازه برای مفهوم استعاری اصطلاح «چشم بیمار» در اشعار حافظ و دیگر قدما، براساس بررسی و ریشه‌یابی طبیبانه این اصطلاح در تاریخ طبی و اجتماعی این سامان، که نشأت گرفته از واقعیت و فور بیماریهای چشمی در روزگاران گذشته بوده است.

۵. تبیین و بررسی اصطلاح «نور چشم» یا نور دیده در اشعار حافظ و دیگران از نظر طب قدیم، که معتقد بودند برای رؤیت اشیاء از چشم انسان نور ساطع می‌شود.

۶. تبیین طبیبانه مضمون «خیال یار در چشم» و بررسی توهم تشکیل تصویر یار در مردمک چشم (به جای مغز) که در کتب کحالی و نوشته‌های طبی قدما آمده و منجمله مثلاً در این بیت از حافظ نیز به آن اشاره شده است:

خیال روی تو چون بگذرد به گلشن چشم
دل از پی نظر آید به سوی روزن چشم

۷. پیشنهاد تازه‌ای برای تفسیر سوختن خرقه مردمک چشم، در این بیت از حافظ:

ماجرا کم کن و باز آ که مرا مردمک چشم
خرقه از سر به در آورد و به شکرانه بسوخت

براساس توجه به این نکته تشریحی چشم که عنبیه سیاه‌رنگ، مانند خرقه‌ای سیاه (سوخته شده) دور مردمک را احاطه کرده است.

۸. پیشنهاد تازه‌ای درباره تبیین و تفسیر اصطلاح «بازی ایام»، در این بیت از حافظ:

نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
چه کنم بازی ایام مرا غافل کرد

براساس تعبیر پزشکی بازی ایام به مفهوم روزهای بحرانی بیماری، متکی و منطبق بر نوشته‌های ابن سینا، جرجانی و دیگر طبیبان نامدار پیش از آنها.

۹: پیشنهادی تازه برای تبیین مفهوم اصطلاحات بسیار قدیمی «سوز جگر» و «جگر سوز» که از جمله، مثلاً در این بیت حافظ نیز آمده است:

بر شمع ترفت از گذر آتش دل دوش

آن دود که از سوز جگر بر سر ما رفت

براساس این عقیده و باور طبیبان نامدار قرون اولیه، که معتقد بودند در بیماریهای سخت، جگر یا کبد انسان واقعاً می‌سوزد.

۱۰: پیشنهادی تازه برای معنای «دوای جگر سوز» و ارتباط آن با چشم و بیماریهای چشم، مثلاً در این بیت از حافظ:

اشک خونین بنمودم به طبیبان گفتند

درد عشق است و جگر سوز دواپی دارد

که براساس نص صریح نوشته‌های کتب معتبر پزشکی قرون چهارم و پنجم هجری، درمان بیماریهای چشم را سوزاندن جگر حیوان، و سر به بخار آن گرفتن می‌دانسته‌اند.

تازه‌های دیگر احتمالی مطالب کتاب بر مبنای توجه به سایر مضامین و اصطلاحات و باورهای در دیوان حافظ، و تفسیر و تعبیر آنها با عنایت به مقولات اجتماعی، و تطبیق آنها با یافته‌های طبی و اجتماعی قرون اولیه تا سده هشتم هجری قمری در ایران و فارس، از این قرار است:

۱. پیشنهادی دربارهٔ صحت و وجوب قرائت «چشم خونبار مرا»، به جای «چشم بیمار مرا» یا «چشم بیمار تو» که در پاره‌ای از نسخ آمده است در این بیت از حافظ:

چشم خونبار مرا خواب نه در خور باشد

من له یقتل داء دنف کیف ینام

بیماری همیشه در اشعار حافظ و همهٔ قدما صفت چشم یار است نه چشم شاعر شاعر منتظر یار بوده و در فراقش چشم خونبار داشته است، نه یار او.

فقدان هرگونه قرینه‌ای که شاعر در کل این غزل به چشم بیمار یا خونبار یار اشاره‌ای داشته باشد خوش آوایی و واج آوایی سه‌خ در مصراع نخستین.

۲. پیشنهاد تازه‌ای برای یک تعبیر و مفهوم تازه از «پرده گلریز» در این بیت از حافظ:

بیا که پرده گلریز هفت خانهٔ چشم

کشیده‌ایم به تحریر کارگاه خیال

تازگی این تفسیر در تعبیر تازه‌ای از «کارگاه» و همچنین «پرده» است که در اینجا برابر آنچه در قاموسها و دیگر اشعار حافظ نیز آمده است، کارگاه به معنای «چهارچوبی که بر آن جامه کشند و بر آن نقوش... دوزند» فرض شده و بر این اساس پرده گلریز معنای پرده‌های چشم را خواهد یافت که همچون پرده‌ای که به «کارگاه» می‌کشند تا بر آن نقشی بیندازند، آماده است تا نقش یار بر آن منقوش شود.

۳. پیشنهادی دربارهٔ صحت و وجوب قرائت «بدان، مردم دیده را روشنایی» در این بیت از حافظ:

سلامی چو بوی خوش آشنایی
بدان، مردم دیده را روشنایی

با این مفهوم که بدان یا بر آن کسی سلام می‌کنم که باعث روشنایی مردم دیدهٔ منست.

۴. پیشنهاد تازه‌ای برای تفسیر روشن‌تری از «عماری دار مهد ماه» در این بیت از حافظ:

عماری دار لیلی را که مهد ماه در حکم است
خدایا در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد

براساس تطبیق با باورهای اساطیری ایران باستان که ماه را دارای مهد یا تخت می‌دانسته و برای آن گردونه‌کش یا معماری دار قایل بوده‌اند.

۵. تفسیری دربارهٔ «پری در خواب دیدن» در این بیت از حافظ:

مگر دیوانه خواهم شد در این سودا که شب تا روز
سخن با ماه می‌گویم پری در خواب می‌بینم

به مفهوم پری زدگی و شیدایی و اشتیاق و امید به دیدار دوست، براساس نتیجهٔ بررسی متون قدیمی دربارهٔ تعبیر خواب در قرون گذشته.

۶. تأکیدی بر صحت و وجوب قرائت «بلا» به جای «ویا» در این بیت از حافظ:

گر می‌فروش حاجت رندان روا کند
ایزد گنه ببخشد و دفع بلا کند

براساس فقدان هرگونه قرینه و جهتی برای نام بردن از یک بیماری در بیت مورد نظر، اثبات عدم بروز ویا، یا هر نوع مرگ‌مرگی در قرن هشتم در فارس، و رد و وجوب شرب شراب در تداوی ویا بنا بر مستندات طب قدیم.

۷. تأکیدی بر تأیید صحت و وجوب قرائت «چشم» به جای «جان» که در برخی از نسخ آمده است، در این بیت از حافظ:

هر آنکه روی چو ماهت به چشم بد بیند
بر آتش تو بجز چشم او سپند مباد

براساس تبیین باورهای قدیمی درباره چشم زخم و ارتباط آن با در آتش افکندن سپند.

۸. پیشنهادی برای وجوب و صحت شناسایی «گل پارسی» به معنای گل سرخ یا ورد احمر بوستانی، به جای معنای گلنار که در تفسیر یکی از شارحین آمده است در این بیت از حافظ:

از گل پارسیم غنچه عیشی نشکفت
حبذا دجلة بغداد و می ریحانی

براساس بررسی کتاب داروشناسی و طبی قرون چهارم و پنجم و هشتم هجری.

۹. پیشنهادی درباره معنی «باده مشکین» به معنای باده‌ای که سر خم آن را به جای قیر و یا

سایر سریندها با مشک بسته باشند، در این بیت از حافظ:

اگر به باده مشکین دلم کشد شاید
که بوی خیر ز زهد ریا نمی آید

براساس تفسیر آیه ۲۶ از سوره مطففین در قرآن کریم ختامه مسک... و استناد به نظریه

این خلدون درباره کلمه خاتم در مقدمه خود در قرن هشتم هجری.

۱۰. تأکیدی بر تأیید صحت و وجوب قرائت «به رحمت هم کمانی» به جای سایر قرائات در

این بیت از حافظ:

عفاله چین ابرویش اگرچه ناتوانم کرد
به رحمت هم کمانی بر سر بیمار می آورد

که براساس نظر استاد همایی، بررسی رسم باستانی ترسانیدن و فراری دادن روح شریب

بیماری، و بررسی تاریخی رسم کمان بر سر بیمار آوردن در فارس بیان شده است.

□

در خاتمه گفتنی است که این بنده بر اثر نوشتن رساله‌ای انتقادی درباره پوزیتیویسم منطقی،

چه بسا تنم به تن پوزیتیویستها خورده و پیراهنم با آنها در یک آفتاب خشک شده باشد، لذا

پوزیتیویست یا تحصیل / محصل گرا شده‌ام و این اثر و امثال آن را که علم گرا و عین گرا، و غیر قلم

گردانان است از آثاری که در آنها بحث از فلسفه عرفان می‌رود (مانند هستی‌شناسی حافظ، و

عنوان چاپ دوم آن عرفان و رندی در شعر حافظ (اثر اندیشه‌ور دانشمند معاصر جناب آقای

داریوش آشوری) و حتی کتاب شیرین و خوشخوان تولد دیگر حافظ و قرن بیست و یکم اثر

استاد دکتر مهدی پرهام کمتر نمی‌دانم. والسلام خیر ختام